

رویکرد حقوق کیفری نسبت به هازل

سید احمد رضوی^۱، داوود گودرزی^۲

^۱ استاد گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ممسنی، ممسنی، ایران.

^۲ دانش آموخته ی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (علوم و تحقیقات فارس)، شیراز، ایران.

چکیده

شوخی های نامتعارف و انتساب القاب ناپسند به دیگران، جدای از جریحه دار کردن روح و قلب دیگران، دارای بار حقوقی و رفتاری مجرمانه نیز هست. اهانت و توهین در طول تاریخ، گاه در قالب شوخی های غیر متعارف بیان می شود. در بیشتر اوقات مباشر شوخی های رکیک، در شکل توهین و اهانت قصد و هدفی دارد، که گاه نسبت به اشخاص عادی، گاه اشخاص و مقامات سیاسی و رهبران و گاه به مقدسات می باشد. متأسفانه این شوخی های نامتعارف در سال های اخیر بخصوص به شکل اهانت به مقدسات تشدید گردیده و بنابراین پاسخ گویی به آنها از مجرای حقوق کیفری امری ضروریست. و از طرفی مساله شوخی های اهانت آمیز را می تون از جنبه های مختلف بررسی کرد، که تحقیق حاضر بر آن است تا با تکیه بر حقوق کیفری به تبیین و جواب دادن به این سوالات بپردازد. از پاسخ گویی به این سوالات نتایجی حاصل می شود که انسان در مقابله با اهانت یاری می کند. روش تحقیق در پژوهش حاضر تاریخی- توصیفی- تحلیلی می باشد. نتایج بیانگر این است که شوخی های زبانی، در قالب اهانت و توهین، جرمی مستوجب مجازات می باشد؛ هرچند نباید اصل حسن نیت را در اسلام مورد بی توجهی قرار داد.

واژه های کلیدی: حقوق کیفری، هازل، اهانت

مقدمه

به کار بردن الفاظ نامناسب و شوخی های رکیک و نسبت دادن آن به فرد، جرم محسوب می شود لذا در این خصوص قانونگذار جرم انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است. شوخی های رکیک در قالب توهین می تواند مورد بررسی قرار گیرد. شوخی های رکیک، دشنام و بی احترامی به پیامبر اعظم (ص) و یا هر یک از انبیاء عظام الهی ائمه معصومین (ع) یا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، موضوع ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی یا توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و یا مقام معظم رهبری (مدظله العالی) موضوع ماده ۵۱۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی یا توهین به بانوان و اطفال در معابر و اماکن عمومی موضوع ماده ۶۱۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی یا توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی در ایران که موضوع ماده ۵۱۷ این قانون است یا توهین به مقدسات اسلام که موضوع ماده ۵۱۳ قانون مذکور می باشد که مجازات مقرر در موارد گفته شده در مقام مقایسه با مجازات مذکور در ماده ۶۰۸ شدید تر و بیشتر می باشد، بنابراین به این موارد توهین مشدد گفته می شود. (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۹۶) در جامعه، افراد آن اگر با القاب ناپسند و شوخی های رکیک همدیگر را صدا بزنند. این شوخی ها گاهی از زبان افراد بزرگتر نیز بر زبان آورده می شود، برخی از افراد برای اینکه در برقراری روابط اجتماعی کمی با هم راحت تر باشند و به نظر خودشان دیوارهای بلند تعارف های زبان معیار را از پیشرو بردارند، همدیگر با واژه سبک یا نام حیوانات و شوخی های رکیک صدا بزنند. در این موارد قصد و اراده بعنوان یکی از مولفه های مورد توجه قانونگذار است. حال، این رفتار دوستانه به کنار، شاید شنیده یا دیده باشید در ورزشگاهها تماشاگران متعصب یا تماشاگر نماها، تا آنجا که می توانند به بازیکنان حریف یا داور یا سرمربی تیم مقابل دشنام می دهند و الفاظ رکیک بکار می برند. جاری شدن این شوخی های روزانه یا دشنام های ورزشی، بارها مورد اعتراض داوران یا بازیکنان قرار گرفته است و برخی از داوران و بازیکنان حتی در تلویزیون نیز اعلام می کنند که تماشاگران به آنها دشنام های زننده ای داده اند و رسانه ها اعلام می دارند که فایل صوتی این دشنام ها قابل پخش نیست. اما کاربرد این واژگان علاوه بر این که نظم عمومی را برهم می زند به عنوان جرم قابل پیگیری است که قانون و فقه اسلامی برای آن نیز ' حد ' تعیین کرده است. (دهقانی، ۱۳۹۶: ۷۶) شوخی های بد زبانی یا توهین و دشنام و متلک عبارت است از اینکه انسان امور بد و زشت را به واسطه کلمات صریح و در بعضی موارد رکیک و زننده به دیگری نسبت دهد یا آن را بر زبان بیان کند. سوال مطروحه در این راستا این است که قانون مجازات اسلامی چه مجازاتی برای فرد هازل در نظر گرفته است؟ آیا تحت عنوان توهین می توان آن را بررسی کرد؟

۱- مفاهیم

۱-۱- هازل

هَزل در ادبیات، در فرهنگ دهخدا به معنی شوخی، طنز، هجو است. در فرهنگ کارگاهی ساختمانی به معنای شوخی جنسی است. (دهخدا، ۱۳۸۳: ۴۶۹) هازل. [ز] (ع ص) هزل گو، مقابل جدگو. (قطر المحيط) (از اقرب الموارد):

هر جدی هزل است پیش هازلان

هزلها جد است پیش عاقلان.

بیهوده گوی. لطیفه گوی. (ناظم الاطباء). بازی کننده. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). بیهوده. (منتهی الارب). مسخره. (نصاب الصبیان)

آنه لقول الفصل، و ما هو بالهزل (الطارق: ۱۳ - ۱۴) ومن شواهد حدیث اُبی هریره: "ثَلَاثٌ جِدَّهْنٌ جِدٌّ، وَهَزْلُهُنَّ جِدٌّ: النِّكَاحُ، وَالطَّلَاقُ، وَالرَّجْعَةُ"

۱-۲- شوخی های بد زبانی

شوخی های بد زبانی یا توهین و دشنام و متلک عبارت است از اینکه انسان امور بد و زشت را به واسطه کلمات صریح و در بعضی موارد رکیک و زننده به دیگری نسبت دهد یا آن را بر زبان بیان کند. (ولیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

۱-۳- جرم الفاظ رکیک و فحاشی

فحاشی، در معنای عیامیانه به معنای دشنام، بد دهنی و بدگویی به کار رفته است. در پاسخ به این سوال که حکم جرم فحاشی چیست، باید بدانیم که، به طور کلی می توان، جرم فحاشی را به دو نوع قذف و غیر قذف تقسیم نمود. این جرم، در شرایطی محقق می شود که کسی در مورد دیگری، الفاظ رکیک و زشت به کار ببرد و باعث بی احترامی به فرد شود. (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۸۶)

۲- رویکرد فقه اسلامی به بد زبانی

در شریعت اسلامی حدیث و روایت های فراوانی وجود دارد که انسان را از کاربردن القاب زشت برحذر داشته است و به همه مردم اعلام می دارد که یکدیگر را به القاب زشت صدا نزنید. حضرت امیرالمومنین امام علی (ع) فرموده اند که 'سنت و منش انسان های پست، بدگویی و بد زبانی است' و در همه ادیان توحیدی این که این بد زبانی ها در هم حال محکوم و رد شده است. (نهج البلاغه، خطبه ۶۷) در ارتباطات اجتماعی نیز ناسزا گفتن شامل هر نوع سخن زشت و غیرمتعارف است که موجب رنجش شخص مقابل می شود و فرد تحت تاثیر آن، منفعل شود اما جهل نسبت به این موضوع باعث می شود گاهی به شکل دوستانه بین برخی از افراد جامعه رایج شود.

متون فقهی اسلامی، به صراحت فرد مومن را از استفاده و کاربرد برخی از واژه ها منع کرده است و معادل این واژگان را در حد 'قذف' دانسته است که برای جاری کننده این واژگان باید 'حد' جاری شود.

شهید شیخ ثانی (ره) در شرح المعه شهید اول می فرماید، کاربرد کلماتی نظیر خوک، سگ و حقیر و پست برای دیگر مومن، امر نا پسند و زشت محسوب می شود و هر کلمه که به لحاظ معنای عرفی یا لغوی موجب آزار و اذیت مخاطب شود و گوینده نیز آن را بداند و بر زبان راند، چنین کلماتی موجب تعزیر می شود.

شهید در ادامه بیان می کند که مگر آنکه مخاطب سزاور و مستحق اهانت با چنین القاب و کلماتی باشد.

شیخ شهید در کتاب 'قذف' شرح المعه دمشقی ادامه می دهد که همچنین شخص به واسطه گفتن هر کلامی که مخاطب را بلکه کسی را که این کلام منسوب به او و درباره اوست اگرچه در مجلس حضور نداشته باشد ناخشنود کند، تعزیر می شود.

(عاملی، ۴۱۶: ۲۰۱)

شهید ثانی در شرح المعه سه کلمه را دارای مجازات 'حد قذف' می‌داند و کاربرد کلماتی که دارای معانی این سه واژه باشند و برای دیگری از زبان کسی جاری شود، او را فردی 'قذاف' می‌داند که باید حد بخورد. در برخی موارد کاربرد برخی از واژگان ناشایست حتی در قالب رفتارهای دوستانه و غیر مغرضانه از کتک زدن بدتر است. (عاملی، ۴۱۶: ۲۱۱)

۳- اصل حسن نیت در حقوق جزای اسلامی

حسن نیت به عنوان یک اصل کلی حقوقی، در همه شاخه‌های علم حقوق از موقعیت ممتاز و ویژه‌ای برخوردار است. امروزه در قوانین بسیاری از کشورها به شکل صریح یا ضمنی به این اصل پایه اشاره شده است. البته در حقوق کیفری، برخلاف دیگر حوزه‌های حقوقی و به‌ویژه حقوق خصوصی، حسن نیت مفهومی کمتر شناخته شده و در عمل مغفول برای بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران بوده است. در موضوع توهین و یا شوخی‌های رکیک نیز از این قاعده مستثنی نیست. در ادبیات حقوق کیفری ایران و در مقایسه با کشورهای غربی و عربی، اصل حسن نیت به درستی تبیین نشده است. (انصاری، ۱۳۸۴: ۷۵) اگرچه قانون‌گذار به طور ضمنی در برخی حوزه‌ها از جمله معاذیر قانونی، کیفیات مخففه و اسباب اباحه رفتار ارتكابی به حسن نیت توجه داشته، اما به صراحت به این مفهوم اشاره‌ای نداشته است؛ ضمن آنکه ضوابط شناسایی حسن نیت و سنجه‌های تشخیص آن نیز روشن نگردیده است. تنها بر اساس دکترین حقوقی، برخی از مقام‌های قضایی ضمن انشای رأی و در مقام توجیه چرایی تعدیل یا تبدیل عنوان اتهامی و نیز تغییر نوع و میزان واکنش کیفری به حسن نیت مرتکب توجه می‌کنند. در نظریه عمومی جرم، حسن نیت حول محور قصد مرتکب معنا می‌یابد و به طور خاص در ارتباط با تقصیر جزایی، اثر خود را آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که با اثبات نبود سوءنیت، حسن نیت شخص در مقام اجرا یا استعمال حق مورد دفاع واقع می‌شود. امروزه، اصل حسن نیت در روند رسیدگی‌های حقوقی از جایگاه مهمی برخوردار شده و از یک فضیلت اخلاقی، به یک ضرورت حقوقی مبدل شده است. رعایت اصل حسن نیت زمانی اهمیت می‌یابد که در رسیدگی به برخی جرایم، همچون جرایم اقتصادی و امنیتی، دیدگاه‌های خاص و فراقانونی حاکم باشد. در ایران، کاربرد حسن نیت در حقوق کیفری، کمرنگ است. در آثار موجود در عرصه علوم حقوقی خواه شکلی یا ماهوی، سرفصل مشخصی تحت عنوان اصل حسن جنایی نیت یا حسن نیت به چشم نمی‌خورد. گویی آنچه در حقوق کیفری و حول محور کنش و واکنش روانی نقش محوری یافته، سوءنیت فعلی یا غایی سوءنیت عام در عموم جرایم و سوءنیت خاص در جرایم عمدی است. شاید بتوان دلیل عمده‌ی این کمرنگی را در این حقیقت جستجو کرد که بنیان مفهوم حسن نیت در حقوق خصوصی است. در حقوق کیفری، حسن نیت فاقد همتای هنجاری در نظریه عمومی جرم است؛ لذا ممکن نیست بتوان حسن نیت را شکل متبلور رکن روانی جرم انگاشت. حسن نیت هم در اندیشه‌ی متهمان و هم در نگاه کنشگران نظام عدالت کیفری به ویژه مقام‌های قضایی به قضایا از نقش اثرگذاری برخوردار است. تیره‌ی بسیاری از متهمان و معافیت کلی یا نسبی از کیفر بسیاری از کسانی که تحت لوای عناوین مجرمانه محکومیت می‌یابند، با اثبات حسن نیت ایشان امکانپذیر می‌شود؛ چه، حسن نیت نقطه مقابل سوءنیت و دائر مدار انتفای قصد مجرمانه است. توجیه چرایی تعدیل یا تغییر بار مسئولیت در حوزه‌های مختلفی از حقوق کیفری از جمله معاذیر قانونی عمدتاً اسباب اباحه، کیفیات مخف در پرتو اصل حسن نیت شکل می‌پذیرد. (دهقانی، ۱۳۹۶: ۹۸)

۴-اراده و قصد در حقوق جزای اسلامی

برای تحقق هر جرمی احراز سه عنصر قانونی، معنوی و مادی از شروط لازم به حساب می آید. از وجوه تمایز مسئولیت مدنی و کیفری شرطیت عنصر روانی در اثبات عناوین مجرمانه است که پس از احراز آن و ثبوت جرم در بادی امر مجازات مجرم به اذهان متبادر می گردد لیکن برای نیل به این مرحله از محاکمه قابلیت انتساب جرم به مجرم باید مورد بررسی قرار بگیرد تا بتوان مسئولیت کیفری را بر او تحمیل نمود. (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۹۰)

۴-۱-بررسی مفهوم عنصر روانی

عنصر روانی از دو واژه عنصر و روانی ترکیب یافته است، در فرهنگ لغت واژه عنصر را چنین تعریف کرده اند: اندیشمندان حقوقی در مورد تعریف و اجزاء سازنده عنصر روانی جرم نظریات مختلفی را بیان نموده اند، بر ی از این نظریات به شرح ذیل بیان می شود. دکتر صانعی "عنصر روانی" چنین می نویسد: «برای آنکه عنصر روانی تحقق پیدا کند وجود دو عامل ضرورت دارد: یکی اراده ارتکاب و دیگری قصد مجرمانه. دکتر گلدوزیان درباره عنصر روانی بر این نظر است که: «علاوه بر عنصر قانونی مبتنی بر پیش بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم شامل وقوع عمل در ارج، عمل مزبور باید از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید بین عمل و شخص عامل رابطه روانی (رابطه ارادی) موجود باشد که ان را عنصر ا قی یا روانی یا معنوی می نامند» (صانعی، ۱۳۸۹: ۵۵)

۴-۲-بررسی مفهوم اراده

اراده در لغت عبارت است از خواستن، طلب کردن، قصد و آهنگ و عزم و اراده ارتکاب جرم عبارت است از واستن انجام عمل مجرمانه؛ (معین، ۱۳۸۴: ۳۲۹) بنابراین اگر شخصی بداند که مالی متعلق به غیر است ولی آن را بردارد مرتکب جرم شده است. مجرم به عنوان یک فرد مستقل با اراده آزاد و با داشتن آگاهی رفتار ممنوعه را انتخاب کرده و سزاوار سرزنش است. باید توجه داشت که در کلیه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی اراده ارتکاب جرم وجود دارد و قانونگذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می کند. در کدورهای تابع «نظام کامن لو» بر این مهم تأکید می شود که دادگاه مکلف است «بدون هیچ ش و شبه هی معقولی» ثابت نماید که شخص متهم به ارتکاب جرم، به شکل ارادی و با قصد ارتکاب رفتار مجرمانه اقدام کرده است بر این اساس، در صدمات بدنی ناشی از حوادث رانندگی و مستی نیز شخص مرتکب واجد اراده بوده و با وجود همین اراده است که راننده اتومبیل را به راه انداخته است. در واقع رانند اتومبیل مورد اراده راننده است و فقط نتیجه ی آن که صدمات بدنی بوده، مورد نظر و مقصود راننده نبوده است. در صورت فقدان اراده ارتکاب فعل، تحقق جرم منتفی است. پس اگر فردی بر اثر اعمال غیر ارادی اعم از ۱ عکس العمل های طبیعی انسان مثل رعشه. ۲ اجبار مادی یا معنوی مثل بستن دست و پا و و رانند شراب. ۳ خواب و بی هوشی. ۴ هیپنوتیزم و... مرتکب فعلی که در حالت عادی جرم است بدود مجازات نمی شود. (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۸۲)

۴-۳-نقش اراده در عنصر روانی

در عرصه ی حقوق کیفری، اراده در ارتباط با رکن روانی جرم یا به تعبیری، فعل و انفعال ذهنی مرتکب مورد بررسی واقع می شود. از آنجا که از منظر قانونی برای تحقق جرم، صرف ارتکاب رفتار مادی کافی نیست و برقراری رابطه ی نفسانی بین مرتکب

و مؤلفه های مادی جرم نیز ضروری است و در عین حال بنیان رکن روانی جرم بر پایه ی اراده و آگاهی استقرار یافته است، دادرس نیز باید با در نظر داشتن حالت نفسانی شکل یافته در وجود شخص در جریان ارتکاب رفتار مادی، وی را از حیث معنوی یا روانی ر مسؤول تلقی کند. بنابراین زمانیکه الفاظ رکیک یا وهن آمیز در قالب شوخی ادا می شود باید نقش اراده در عنصر روانی را در آن بررسی کرد تا بتوان مجازات یا عدم آن را بررسی کرد. اساسا، انسان آنگاه که در وجود و احساس نیازی کند، راه های مختلف رفع نیاز را بررسی نموده و با سنجش برآیند مضار و منافع، در نهایت عزم خویش را در قالب و است درونی ر جزم می کند و سپس واست مورد نظر را به مرحله ی انجام و اجرا میرساند. روند یاد شده، مبین توالی حالتهای ذهنی پیچیده ی درونی شخص است که در پایان در قالب وقوع رفتار وی تجسم می یابد؛ به عبارت دیگر، تحلیل روانی اراده و تبیین سیر شکل گیری آن، اصولا در ارتباط با قوای ذهنی است. اراده، نتیجه ی عملکرد نیروی تعقل در انسان است که امکان درک و تصرف را برای وی فراهم می سازد. (پاد، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

۴-۴- تعریف قصد مجرمانه

برای تحقق عنصر روانی در جرایم عمدی باید قصد مجرمانه وجود داشته باشد. قصد مجرمانه در قانون تعریه نده است بلکه قانونگذار غالبا با استفاده از عناوین گوناگونی در عبارات قانونی آن را بیان کرده. از این عناوین عبارتند از: به قصدکشتن، به قصد سرقت، به قصد سوء یانت، به قصد استفاده نا مشروع، به قصد کم به دشمن، به قصد برهم زدن امنیت، به قصد اضرار به غیر، به قصد متهم کردن غیر و به قصد با نیت فساد عالما و عامدا، با علم و اطلاع و... (بافرانی، ۱۳۹۳: ۴۹) بسیاری از دانشمندان قصد مجرمانه را «آگاهی و علم مرتکب به نقض قانون جزا» دانسته اند مثلا ویدال و مانیول می گویند «عمد آن است که کسی خواسته و دانسته مرتکب عملی شود. دکتر گلدوزیان قصد مجرمانه را اینگونه تعریف کرده است: " عمده عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانونگذار منع یا امر نموده است". (گلدوزیان، ایرج؛ ۱۳۹۲، ص ۱۸۰) دکتر اردبیلی عمد را متضمن میل و تصمیم فاعل در رسیدن به نتیجه مجرمانه می داند. (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۵۶)

۵- رویکرد قانون مجازات اسلامی به هازل

اگر چه قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از منابع قانونی و حقوقی به صراحت نوع ماهوی نام کلمات را مشخص نکرده است، اما کاربرد هر گونه کلمه خارج از عرف را منع کرده و مجازات آن را نیز تعیین کرده است.

۶- شقوق مفهوم هازل در قانون مجازات اسلامی

۶-۱- بررسی دشنام در قانون مجازات اسلامی

در ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: 'هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند، موجب محکومیت گوینده به تازیانه تا ۷۴ ضربه شلاق می شود'.

فحاشی، در معنای عیامیانه به معنای دشنام، بد دهنی و بدگویی به کار رفته است. در پاسخ به این سوال که حکم جرم فحاشی چیست، باید بدانیم که، به طور کلی می توان، جرم فحاشی را به دو نوع قذف و غیر قذف تقسیم نمود. این جرم، در شرایطی محقق می شود که کسی در مورد دیگری، الفاظ رکیک و زشت به کار ببرد و باعث بی احترامی به فرد شود. مواردی که

فحاشی، جرم قذف نامیده می شود را قانون گذار در ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی، اینگونه تعریف می کند: « قذف، عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر، هرچند مرده باشد. » این جرم، می تواند از طریق لفظ و نوشتن، حتی به شکل الکترونیکی محقق شود و فحاشی ناموسی از مصادیق آن می باشد. مواردی که فحاشی نسبت به دیگری، غیر جرم قذف را در بر گیرد نیز در قانون، جرم نگاری شده است و در ماده ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی، برای آن، مجازات تعیین شده است. این مورد نیز شامل توهین و استفاده از حرف های رکیک می باشد که عرفاً به خفیف شدن و کسر شان مجنی علیه، منتهی گردد. (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲)

۲-۶- بررسی ترساندن و ارباب

قانونگذار در ماده ۴۹۹ از قانون مجازات اسلامی بیان می دارد:

هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسئول است. همچنین آنکه قانونگذار در ماده ۵۰۱ از همان قانون این چنین بیان داشته است:

هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هرکار دیگری که موجب هراس او می گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارباب، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد براساس تعاریف انواع جنایات به پرداخت قصاص یا یا دیه محکوم می شود. (پاد، ۱۳۸۳: ۹۲)

در خصوص این مواد نکاتی را به اختصار بیان می کنیم:

۱. فروزی را که هر یک از دو ماده مذکور بیان می دارند متفاوت از دیگری می باشد. با این توضیح که فرض مورد اشاره در ماده اول، فرضی است که در اثر ارباب و ترس زیاد حرکتی از فرد سر بزند که موجب ورود آسیب به خود یا دیگری گردد. به عبارتی دیگر مطابق ماده موصوف عمل ترساندن زمانی ضمان آور خواهد بود که فرد در اثر ترسیدن آسیبی به دیگری یا خود وارد آورد، این در حالی است که مطابق ماده دوم، صرف ترساندن فرد در صورتی که منجر به آسیب یا فوت وی گردد ضمان آور خواهد بود، به عبارتی دیگر، برای اعمال مجازات مربوط به ماده دوم نیازی نیست که آسیب وارده به واسطه حرکتی از سوی شخص ترساننده شده، وارد شود تا شخص ترساننده مشمول مجازات گردد.

نتیجه آنکه ترساندن فرد در صورتیکه موجب آسیب خود یا دیگری گردد خواه آنکه مستقیماً و بواسطه ترس زیاد اتفاق افتد، خواه بواسطه حرکت یا عملی موجب ورود آسیب شود، تحت شرایطی جرم محسوب می شود و قابل مجازات خواهد بود.

۲. به طور مثال چنانچه شخصی با گذاشتن صورتکی وحشتناک فردی را بترساند و دنبال وی کرده و فرد فرار نماید و در اثر این اتفاق از طبقه پنجم ساختمان به پایین پرت شود، حسب مورد شخص ترساننده مرتکب قتل عمد یا غیر عمد شده است که مطابق مقررات و با توجه به تشخیص دادگاه، به قصاص یا پرداخت دیه محکوم خواهد گردید.

در مثالی دیگر، چنانچه شخصی پشت دیواری مخفی گردد و ناگهانی در مقابل عابری ظاهر گردد و از این رهگذر عابر به واسطه ترس از این دچار حمله قلبی گردد، ترساننده حسب مورد به پرداخت دیه و یا مجازات قصاص محکوم خواهد شد. اما آنچه در تشخیص نوع عمد یا غیر عمد بودن این اقدام بیش از سایر عوامل مؤثر خواهد بود نحوه و شیوه ترساندن و علم و آگاهی مرتکب از اقدامات خود خواهد بود. به طور مثال چنانچه فردی با آگاهی از داشتن بیماری قلبی فردی که قصد ترساندن وی را دارد و یا باردار بودن وی، اقدام به ترساندن وی نماید، در حالی که شوخی یا عمل وی نوعاً باعث آسیب نمی گردد اما در این

افراد و به واسطه وضع خاصی که دارا می باشند و نیز عالم بودن مرتکب از این وضع خاص، از مصادیق جرایم عمدی محسوب می گردد. لذا باید بیان داشت که مرتکب چنین عملی مرتکب قتل عمدی گردیده ولو آنکه چنین قصدی نداشته است و در نهایت به مجازات قصاص محکوم خواهد شد.

در مثالی دیگر، ممکن است فردی در اثر ترساندن دیگری موجب سکتی وی گردد یا آنکه شدت ترساندن به حدی باشد که فرد دچار لکنت زبانی گردد یا نیمی از بدن وی در اثر سکتی بی حس گردد، در اینصورت در صورت واجب شدن قصاص تا جایکه شرایط اجرای قصاص وجود داشته باشد، قصاص اعمال خواهد شد، در غیر اینصورت دیه جایگزین قصاص خواهد شد. چه اینکه در موارد اینچنینی امکان ایجاد آسیبی دقیق همانند آنچه در اثر ترساندن وارد شده، همانند ایجاد لکنت یا بی حس نمودن نیمی از بدن ترساننده وجود نخواهد داشت. اما آنچه در بالا بدان اشاره شد صرفاً بیان موضع قانونگذار از نظر مقررات جزایی بود، این در حالی است که از نظر مقررات مسئولیت مدنی نیز، امکان پیگرد ترساننده وجود خواهد داشت. (پاد، ۱۳۸۳: ۸۲)

۳-۶- بررسی جرم توهین و مجازات آن

سوالی که در این بخش مطرح می شود، آن است که مجازات توهین، فحاشی و حکم جرم فحاشی و الفاظ شوخی رکیک چیست؟ لذا، در این بخش، جرم فحاشی و مجازات آن را بیان خواهیم نمود. مجازات شوخی در قالب توهین ساده: قانون گذار، حکم قانونی ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی را در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، اینگونه کاهش داده است: «توهین به افراد، از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، دارای مجازات جزای نقدی درجه شش خواهد بود.» که این مقدار در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال، تعیین شده است.

مجازات توهین به زنان و کودکان: قانون گذار در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، در راستای احترام به حقوق زنان و کودکان، توهین به زن و کودکان در مکان ها و معابر عمومی را جرم انگاری کرده است. مرتکب این جرم می تواند از دو تا شش ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شود.

مجازات فحاشی به مقامات: علاوه بر ماده ۶۰۸ قانون مجازات، ماده ۶۰۹ نیز مجازات جرایم توهین و فحاشی نسبت به مقاماتی، همچون روسای سه قوه، معاون رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان، اعضای شورای نگهبان، قضات، اعضای دیوان محاسبات، کارکنان وزارتخانه ها و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها را سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی، تعیین نموده است.

ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی نیز در مورد مجازات اهانت به رهبری، اینگونه بیان می دارد: «هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء، اهانت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

جرم قذف: چنانچه فحاشی، در قالب قذف انجام گیرد، بر اساس ماده ۲۵۰ و ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی، حد قذف، هشتاد ضربه شلاق بوده و در صورتی موجب حد می شود که قذف شونده، هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد، در غیر این صورت، قذف کننده، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش، محکوم خواهد شد. (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۷۲)

جرم توهین، نسبت دادن یک امر وهن آور به شخصی بوده به نحوی که عرفا به خفیف شدن و کسر شان وی منتهی گردد. حکم مجازات جرم توهین بسته به این عامل که توهین ساده (توهین به افراد عادی) یا مشدد توهین به اشخاص حقوقی باشد، متفاوت و به ترتیب مشمول مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی می باشد. نحوه شکایت و رسیدگی به جرم توهین با تقدیم شکوائیه توهین آغاز گردیده که این شکوائیه در دفتر خدمات قضایی ثبت شده و برای دادسرا ارسال می شود. مطابق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی صراحتاً بیان کرده است که: توهین به افراد از قبیل فحاشی (توهین لفظی) و استفاده از الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف (نسبت دادن لواط یا زنا به شخص) نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون تومان جزای نقدی خواهد بود. جان، مال و آبروی اشخاص در جامعه مورد احترام قانون گذار بوده و افراد جامعه نیز ملزم به رعایت احترام به این موارد می باشند. این امر تا جایی برای مقنن اهمیت داشته که در بسیاری از موارد نقض این موارد سه گانه را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده است. به عنوان مثال، نقض احترام به جان اشخاص و سلب حیات آن ها در قالب جرم قتل مورد توجه مقنن قرار گرفته و برای آن مجازات قصاص و دیه را پیش بینی نموده است. احترام به آبروی اشخاص مورد توجه قانون گذار کشورمان قرار داشته و نقض آن در قالب جرم توهین و تعیین مجازات برای این جرم مورد پیش بینی مقنن قرار گرفته است. توهین در لغت به معنای خوار کردن، خوار شمردن، ضعیف و سست شمردن، حقیر و سبک داشتن، می باشد. برای پیشگیری از جرم توهین و فحاشی در اغلب کشورهای مجازات بسیار سختگیرانه ای تعیین شده است. توهین به حیثیت و آبرو اشخاص لطمه وارد می کند. در کشور ما نیز توهین و فحاشی جرم شناخته شده است و مجازات آن در قانون مجازات اسلامی بیان شده است. (حبیب زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۶)

۳-۶-۱- عنصر قانونی جرم توهین

مجازات جرم توهین و فحاشی در قانون کاهش مجازات حبس های تعزیری دستخوش تغییراتی گردیده است. مطابق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس های تعزیری جرم توهین و فحاشی، جرم توهین موضوع ماده ۶۰۸ به جزای نقدی ۶ تا ۲۴ میلیون تومان تغییر یافته است، اما مجازات توهین مشدد ۴۵ تا سه ماه حبس، ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و دو میلیون ریال تا ۲۵ میلیون ریال وجه نقدی می باشد. عنصر قانونی جرم توهین در مواد ۶۰۸، ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قانون گذار قرار گرفته، با این توضیح که ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مربوط به توهین عادی یعنی توهین به افراد عادی بوده و ماده ۶۰۹ مرتبط با توهین مشدد یعنی توهین به اشخاص حقوقی و توهین به روسای سه قوه، معاونان رئیس جمهوری، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان، اعضای شورای نگهبان، قضات، اعضای دیوان محاسبات و کارکنان وزارتخانه ها و موسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها می باشد. همچنین در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی توهین به زن و کودکان در مکان ها و معابر عمومی جرم انگاری شده است. (شمس ناتری، ۱۳۸۹: ۲۷)

۳-۶-۲- عنصر مادی جرم توهین

عنصر مادی جرم توهین از طریق هرگونه رفتار مجرمانه اعم از انجام فعل یا ترک فعل که اهانت آمیز بوده محقق می گردد. به عنوان مثال: فحاشی کردن، هل دادن و.... جرم توهین و فحاشی ساده؛ این جرم موضوع ماده ۶۰۸ بخش تعزیرات قانونی مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ می باشد. به موجب ماده مذکور جرم توهین و فحاشی عبارت از این است که کسی نسبت به دیگران ناسزا یا الفاظ رکیک و فحش دهد و

رفتار او مصداق جرم قذف نباشد. قذف جرمی حدی و به معنای نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر است. مانند این که کسی به دیگری بگوید تو با فلان زنا کرده ای. به تصریح ماده مذکور جرم توهین و فحاشی هنگامی تحقق می یابد که جرم قذف محقق نشده باشد.

۳-۶-۳- عنصر روانی یا معنوی جرم توهین

عنصر روانی یا معنوی جرم همان فعل و انفعالات ذهنی بوده که پیش از ارتکاب جرم یا در زمان انجام آن، مرتکب جرم را به سوی ارتکاب آن سوق می دهد. عنصر روانی یا معنوی جرم توهین عبارت است از سوء نیت عام (قصد انجام عمل اهانت آمیز) و سوء نیت خاص (قصد خفیف نمودن توهین شونده)

با توجه به اینکه در قانون مجازات جرم توهین به دو نوع توهین ساده و مشدد تقسیم گردیده و دو ماده جداگانه ۶۰۸ و ۶۰۹ به هر یک از این انواع توهین اختصاص یافته، ما نیز مجازات جرم توهین را در قالب دو بند جداگانه توضیح می دهیم:

الف: مجازات جرم توهین ساده (توهین به افراد عادی)

مجازات جرم توهین ساده یا توهین به افراد عادی و فاقد سمت در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی ذکر گردیده. به موجب این ماده: "توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود."

مطابق ماده ۱۰۴ قانون کاهش مجازات اسلامی جرم توهین و فحاشی از زمره جرایم قابل گذشت می باشد و با گذشت شاکی تعقیب جرم متوقف میشود.

توهین ممکن است به صورت توهین ساده یا توهین مشدد رخ دهد که قانونگذار برای هر کدام مجازات جداگانه ای در نظر گرفته است. (صادقی، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

ب: مجازات جرم توهین مشدد (توهین به اشخاص حقوقی)

مجازات جرم توهین مشدد (توهین به اشخاص حقوقی) یا توهین به برخی مقامات دارای سمت در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی ذکر گردیده. به موجب این ماده: "هرکس با توجه به سمت، به یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها، در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید، به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود."

سبب النبى، همانطور که اشاره شد یکی از جرایم مربوط به جرم فحاشی سبب النبى یا توهین به مقدسات اسلام می باشد. طبق ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی هرکس به پیامبر اسلام (ص) و سایر ائمه و مقدسات اسلامی توهین نماید به مجازات اعدام محکوم می گردد.

توهین و فحاشی به امام خمینی و مقام رهبری؛ مطابق با ماده ۵۱۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی هرکس به هر نحو به شخص امام خمینی (ره) و مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران توهین نماید به مجازات شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. توهین به مقامات دولتی حین انجام وظیفه و با توجه به سمت آنها مطابق ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی ۳ تا ۶ ماه حبس می باشد.

توهین به مقامات سیاسی خارجی مطابق ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی که مجازات آن ۱ تا ۳ ماه حبس می باشد.

توهین به مقدسات و انبیاء و ائمه و حضرت فاطمه مطابق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱ تا ۵ سال حبس می باشد.

جرم افتراء؛ یکی از مصادیق جرم فحاشی و توهین به دیگران جرم افتراء موضوع ماده ۶۹۹ قانون می باشد. هرکس اقداماتی را به قصد متهم ساختن شخص دیگر به یکی از جرایم قابل مجازات انجام دهد، ممکن است به سه ماه تا یک سال حبس تعزیری محکوم شود. (صادقی، ۱۳۸۷: ۱۶۹)

۷- شیوه رسیدگی و صدور حکم جرم توهین و افراد هازل

رسیدگی به اغلب جرایم مرتبط با جرم توهین و فحاشی در صلاحیت محاکم دادگستری کیفری می باشد. تحقیقات مقدماتی در مورد این جرایم اصولاً در دادرسی عمومی و انقلاب شهرستانی که جرم در آن واقع شده است، صورت می پذیرد. مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی در خصوص موضوع به دستور دادستان شهرستان انجام می گیرد. پس از شروع تحقیقات دادستان پرونده را به ترتیب به یکی از دادیاران یا بازپرسان دادرسی ارجاع می دهد. (افراسیابی، ۱۳۹۶: ۶۳)

پس از بررسی و تحقیقات اولیه نسبت به موضوع در دادرسی عمومی و انقلاب، در صورتی که مقام قضایی بر این نظر باشد که جرم توسط متهم ارتکاب یافته است، ضمن صدور کیفرخواست و قرار جلب به دادرسی پرونده را به دادگاه کیفری صالح ارسال می نمایند. دادگاه کیفری صالح با توجه به این که مجازات جرم انتسابی چیست متفاوت است. برای مثال با توجه به این که مجازات جرم سب النبی اعدام است، رسیدگی به اتهام سب النبی در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ خواهد بود. دادگاه کیفری یک اصولاً با حضور سه قاضی به موضوع رسیدگی می کند. در صورتی که جرم مورد بررسی مستوجب مجازات های سبک مثل حبس های کوتاه مدت باشد، رسیدگی به اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ می باشد. دادگاه کیفری دو با حضور یک قاضی تشکیل شده و به موضوع رسیدگی می کند. دادگاه کیفری صالح پس از انجام بررسی های لازم و شنیدن اظهارات شاکی و متهم، ختم دادرسی را اعلام می کند. پس از اعلام ختم دادرسی دادگاه کیفری به صورت فوری و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رای می نماید. (صادقی، ۱۳۸۷: ۱۶۹)

۸- اثبات جرم توهین و شوخی رکیک

اثبات جرم توهین و شوخی رکیک منوط به ارائه دلایل می باشد. مهم ترین روشهای اثبات جرم توهین و فحاشی در قانون مجازات اسلامی، اقرار مرتکب جرم، شهادت شهود (دو فرد عاقل و بالغ)، علم قاضی و قسامه و سوگند می باشد. بهترین روش برای اثبات جرم توهین شهادت شهودی می باشد که در صحنه وقوع جرم حضور داشته اند. مطابق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک توهین، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

جرم توهین و شوخی رکیک معمولاً به صورت فعل مثبت به صورت گفتار یا نوشته یا اشاره دست یا چشم مانند استفاده از الفاظ بی ادبانه، هل دادن دیگران به جهت تحقیر شخصیت آنها، ریختن آب دهان به سمت دیگران، کشیدن لباس انسانها به قصد توهین از مصادیق جرم توهین محسوب می شود. (آقایی، ۱۳۹۴: ۹۱)

۹- شرایط تحقق جرم شوخی رکیک

شرط مهم تحقق جرم توهین و شوخی های رکیک، «موهن بودن رفتار» است؛ مثلاً صرف خشونت در گفتار یا فریاد زدن را نمی‌توان توهین کیفری محسوب کرد. در اصل می‌توان گفت تشخیص موهن بودن رفتار با «عرف» است؛ یعنی شخصیت فرد مقابل، وضعیت اجتماعی و فرهنگ عمومی در توهین آمیز بودن یا نبودن رفتاری تأثیر زیادی دارد. با ذکر مثال‌هایی توضیح می‌دهیم. مثلاً در میان گروه‌ها و طبقاتی از مردم کلماتی نظیر: «بی کلاس»، «بی اتیکت»، «غرب زده»، «بی پرستیژ» و غیره کاملاً اهانت آمیز و غیرقابل تحمل محسوب می‌شود. ولی ممکن است در میان گروه دیگری از مردم اصلاً اینگونه نباشد. یا مثلاً در بسیاری از کشورها در آوردن زبان در مقابل دیگری توهین آمیز و رفتاری زننده و زشت است. به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۹ دادگاهی در شهر رم ایتالیا، فردی را که با بیرون آوردن زبانش به همسایه اش توهین کرده بود، به پرداخت دو هزار دلار جریمه محکوم نمود، اما در تبت، میزبان پس از خروج مهمان با در آوردن زبانش به او ادای احترام می‌نماید و می‌فهماند که از هم صحبتی با او لذت برده است! (محمدی، ۱۳۹۴: ۵۹)

نتیجه گیری

بکار بردن الفاظ رکیک در قالب توهین قابل بررسی است و هازل مورد مجازات کیفری است. توهین یک جرم عمدی است و انگیزه در تحقق این جرم تأثیری ندارد. به کار بردن الفاظ نامناسب و شوخی های رکیک و نسبت دادن آن به فرد، جرم محسوب می‌شود لذا در این خصوص قانونگذار جرم انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است. شوخی های رکیک در قالب توهین می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. شوخی های رکیک، دشنام و بی احترامی به پیامبر اعظم (ص) و یا هر یک از انبیاء عظام الهی ائمه معصومین (ع) یا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، موضوع ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی یا توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و یا مقام معظم رهبری (مدظله العالی) موضوع ماده ۵۱۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی یا توهین به بانوان و اطفال در معابر و اماکن عمومی موضوع ماده ۶۱۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی یا توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی در ایران که موضوع ماده ۵۱۷ این قانون است یا توهین به مقدسات اسلام که موضوع ماده ۵۱۳ قانون مذکور می‌باشد که مجازات مقرر در موارد گفته شده در مقام مقایسه با مجازات مذکور در ماده ۶۰۸ شدیدتر و بیشتر می‌باشد، بنابراین به این موارد توهین مشدد گفته می‌شود شوخی های نامتعارف و انتساب القاب ناپسند به دیگران، جدای از جریحه دار کردن روح و قلب دیگران، دارای بار حقوقی و رفتاری مجرمانه نیز هست. اهانت و توهین در طول تاریخ، گاه در قالب شوخی های غیر متعارف بیان می‌شود. در بیشتر اوقات مباشر شوخی های رکیک، در شکل توهین و اهانت قصد و هدفی دارد، که گاه نسبت به اشخاص عادی، گاه اشخاص و مقامات سیاسی و رهبران و گاه به مقدسات می‌باشد. متأسفانه این شوخی های نامتعارف در سال های اخیر بخصوص به شکل اهانت به مقدسات تشدید گردیده و بنابراین پاسخ گویی به آنها از مجرای حقوق کیفری امری ضروریست. و از طرفی مساله شوخی های اهانت آمیز را می‌تون از جنبه های مختلف بررسی کرد.

منابع

۱. انصاری، علی، حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه، رساله دوره دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۴
۲. دهقانی، علی، «حسن نیت در حقوق دادرسی»، دوفصلنامه حقوق اداری، سال چهارم، ۱۳۹۶ ش. ۱۲
۳. گلدوزیان، ایرج؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۹۲ چاپ دوازدهم
۴. ولیدی، محمد صالح؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل ۱۳۸۸،
۵. افراسیابی، محمد اسماعیل؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۶
۶. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴ چاپ ۲۲
۷. علی آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنایی، تهران، انتشارات دادگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۵۳ جلد اول
۸. صادقی، محمد هادی. جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان ۱۳۸۷.
۹. میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲
۱۰. میر محمد صادقی، حسن، «اکراه و اضطرار در اساس نامه دادگاه کیفری بین المللی»، مجله حقوقی دادگستری، ش، ۶۴، ۱۳۸۳
۱۱. محمدی، عباس، عنصر روانی جرم، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴
۱۲. آقایی، جنت مکان، حقوق کیفری عمومی، نشر جنگل، ۱۳۹۴
۱۳. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران
۱۴. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۲ جلد اول
۱۵. گاستون استفانی، ژرژ لواسور و برنابول، حقوق جزای عمومی، ج اول، ترجمه دکتر دادبان
۱۶. حسین پور بافرانی، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات جنگل ۱۳۸۸،
۱۷. حبیب زاده، محمد جعفر، اضطرار (ضرورت)، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۱ و، ۶۱، ۱۳۹۵
۱۸. شمس ناتری، محمد ابراهیم و عبدالله یار، سعید، حالت ضرورت و دفاع مشروع، تهران، مجد، ۱۳۹۰
۱۹. یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، نشر رهام، ۱۳۸۳